irannewspaper.ir

• سه‌شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۹۱
• اذان ظهر ۱۲/۰۱ • اذان مغرب ۱۹/۲۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۳/۱۲ • طلوع آفتاب فردا ۴/۵۴

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی(اجتماعی)

• بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

سینه باید گشاده چون دریا
تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز
نفسی طاقت آزموده چو موج
که رود صد ره برآید باز

هوشنگ ابتهاج

سخن‌روز

الإمام الصادق علیه السلام:
پسران نعمتند و دختران حسنه و خداوند از نعمت‌ها بازخواست می‌کند و برای حسنات پاداش می‌دهد.

الکافی: ۱۲/۷/۶

نگاره

خرمشهر

احمدرضا سهرابی/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

واکنش یک گرافیست به هشتگ «نه به اعدام»، گفت‌وگوی یک افسر نیروی دریایی ارتش با پسرش، نقد یک منتقد فیلم بر یک کمدی و احساس یک نوازنده حین نواختن را در فضای مجازی امروز بخوانید.

«نه به اعدام» کسانی که ترور جوانان را محکوم نکردند، قبول نیست

محمدحسین نیرومند، گرافیست و کارتونیست در واکنش به هشتگ‌سازی‌های برخی در شبکه‌های اجتماعی علیه اعدام اشرار و متجاوزان، ضمن انتشار طرحی منتقدانه در این باره نوشت: «اول نه به خشونت، بعد نه به اعدام! وقتی سلبریتی‌های وطنی قتل وحشیانه شهیدان روح‌الله عجمیان و آرمان علی‌وردی، دانیال حسین‌زاده و حسین زینال‌زاده دو دانشجوی مشهدی، یزدان قجری، لکوموتیوران قطار باری فولاد مبارکه اصفهان، که در حمله اغتشاشگران و پرتاب کوکتل مولوتوف به کابین قطار به شهادت رسید و محسن حمیدی، محمدحسین کریمی و سرهنگ اسماعیل چراغی شهدای خانه اصفهان را محکوم نکردند، گرفتن ژست انسانی «نه به اعدام» از آنها پذیرفتنی نیست. شهادت مظلومانه ۵ سرباز شهید حادثه تروریستی شرق کشور را به خانواده‌های مظلوم و محرومشان تسلیت عرض می‌کنم. آنها نه از خانواده سلبریتی‌ها بودند، نه از خانواده سرمایه‌داران، نه خانواده سیاسیون و حتی نه از خانواده مسئولین.»

من می‌روم دریا تا تو راحت به مدرسه بروی!

بازگشت حماسه‌ساز ناوگروه۸۶ نیروی دریایی ارتش از سفر ۸ماهه در آب‌های جهان، واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی در پی داشته است. همسر یکی از افسران نیروی دریایی که در این سفر شرکت داشته، در استوری اینستاگرامش ضمن انتشار عکسی از فرزند پسرشان در آغوش پدر، خواسته او را اینطور بازتاب داده است: «به باباش گفت میشه دیگه نری دریا، صبح‌ها منو ببری مدرسه؟! باباش بهش گفت من میرم دریا که تو و هم‌کلاسی‌هات از هیچی نترسید و راحت برید مدرسه و توی حیاط فوتبال بازی کنید!»

مضراب را به دست می‌گیرم و غوطه‌ور می‌شوم

علی قمصری که این روزها در اینستاگرامش تلاش می‌کند صدای سازهای ایرانی را یادآوری کند، این بار به خانه-موزه دیگری در اصفهان سر زده و درباره تارنوازی‌اش در کاخ سرهنگ نوشته است: «دقایقی که در این خانه قدیمی با خانواده باصفایی که به صورت خصوصی مدیریتش می‌کنند، سپری کردم، بهترین بخش سفر اصفهان بود. خانه سرهنگ در معماری خود آثار چهار دوره صفویه، زندیه، افشار و قاجار را جای داده؛ بنایی سیصد و پنجاه ساله که پس از آسیب در حمله افغان‌ها، دوباره مرمت شده. در لحظه اجرا غمی غریب من را فرا گرفته بود. بعضی‌ها می‌گویند نوازنده نمی‌تواند تنها با مضراب اول حس بگیرد اما گاهی من قبل از مضراب اول نمی‌دانم دری که با طنینش به رویم باز می‌شود مرا با چه فضایی رهسپار می‌کند. حس گرفتن متعلق به بازیگری است، نوازنده غوطه‌ور می‌شود. ابتهاج سروده است:

گاهم از نای دل خویش نوایی برسان
که جزین ناله دل‌سوز تو دمسازم نیست
در گلو می‌شکند ناله‌ام از رقت دل
قصه‌ها هست ولی طاقت ابرازم نیست»

کمدی‌های سطحی، رمقی برای تماشاگر سینما نگذاشته‌اند

رضا منتظری، خبرنگار و منتقد فیلم در اینستاگرامش درباره فیلم کمدی «فسیل» نوشت: «چند شب قبل به دعوت کریم امینی عزیز بعد از گذشت ۲ ماه از اکران فسیل به تماشای این فیلم نشستم. حقیقتاً اینقدر طی سال‌های اخیر کمدی‌های چیپ و سطحی و کم‌رمق دیدم که دیگر میلی برای تماشای این قبیل فیلم‌ها برایم باقی نمانده! هرچقدر هم دوستان منتقد و رسانه‌ای در این ۲ ماه گفتند که فسیل فرق دارد و یک کمدی ارزشمند و درجه یک است، باز به اصرار می‌خواستم همچنان روی تصمیم خودم بایستم و به سینما نروم!... قطعاً همه به این امر واقف هستیم که کمدی اثری است که در بیننده شادی ایجاد کند اما غنای یک اثر کمدی به مفهومی بستگی دارد که به‌واسطه آن تماشاگر به خنده می‌افتد؛ سال‌هاست کمدی‌های سبک‌سرانه، سرشار از شوخی‌های جنسی، تکیه‌کلام‌های مشمئزکننده و... باعث شده سطح سلیقه مردم نسبت به این گونه مهم سینمایی تغییر کند! خوشبختانه فسیل کریم امینی هم یک کمدی سطح بالا و سرپا از کار در آمده؛ یک کمدی درخشان که نشان از هوش و استعداد بالای کارگردان و ذوق و قریحه نویسندگانش دارد.»

نقل قول

ناصر ممدوح
گوینده

معتقدم خداوند مرا خیلی دوست دارد

بعضی از مدیران دوبلاژ فیلمی را که در اختیارشان می‌گذارند، بدون اینکه دیده باشند، در چرخه دوبله وارد و از گوینده دعوت به کار می‌کنند. در صورتی که این کار صحیح نیست و باید فیلم را ببینند و بر اساس شخصیت‌ها، گوینده را دعوت کنند. اگر کسی خوب کار می‌کند باید تشویق شود و از او خواهش کنند بیشتر کار کند. اگر هم کسی بد کار کرد، سه‌ماه به او فیلم ندهند.
دوبله کاری است که آدم را جذب می‌کند. یک حرفه سخت ولی دوست‌داشتنی است. وقتی جای شخصیت دیگری صحبت می‌کنید، انگار به او روح می‌دهید. خیلی از جوان‌ها به خاطر همین آمدند و ماندگار شدند.
دهه چهل واقعاً یک دوران طلایی بود که گذشت و رفت. این روزها فرش قرمز می‌اندازند و شلوغ می‌کنند. ولی آن فیلم‌ها کجا هستند؟ به‌هرحال همه برای من عزیزند و از همکاران خودم خواهش می‌کنم این حرفه را حفظ کنند. ما دیگر عمرمان را کرده‌ایم. اما امیدوارم جوان‌ها این کار را بالا بیاورند. من همه انسان‌ها را دوست دارم و برایم فرق نمی‌کند از کدام قوم و نژادی باشند. معتقدم خداوند مرا خیلی دوست دارد. چون بندگانش را دوست دارم.

| بخشی از صحبت‌های این گوینده قدیمی و پیشکسوت با مهر

یادداشت

محسن نفر
آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

هنر، نمایش چیست؟

گفتیم هنر، نمایش زندگی است! نمایش چیست؟ چه چیز از زندگی را نمایش می‌دهد؟ زندگی، مجموعه‌ای وسیع از حرکت، سکون، فعل، انفعال، تعقل، احساس، هیجان، ارتباط، تنهایی، پیشروی، توقف، بلندپروازی، قناعت و بسیاری چیزهای دیگر را در قلمرو خصوصی، خانوادگی، اجتماعی و...انسان را به‌عنوان یک موجود زنده و مؤثر و متأثر، شامل می‌شود و در بردارد.
حال هنر، نمایش کدامین‌شان است؟ نمایش هر کدامشان! بسته به اینکه هنر، در کدام‌یک از موارد مزبور، ظهور و بروز کند، زندگی نمایش می‌شود. سبک‌های مختلف هنری هم، بنابر آن موارد پدید آمده و رقم خورده! هنرمند، اگر برون‌گرا و درون‌گریز باشد، از طبیعت، اجتماع، اقوام و افراد و هر چیزی که تمایل به مشاهده آن دارد، می‌گوید و از آن خبر می‌آورد! و اگر هم درون‌گرا و برون‌گریز باشد، خود را اظهار می‌کند و از احوال، افکار، آلام و آمال خود می‌گوید و همه اینها، علائم زندگی، بل خود زندگی است! هنرمند همه آنها را مشاهده و احساس می‌کند و مخاطب، شهود او را تماشا! در واقع هنرمند، زندگی را در خود و بر خود تماشا می‌کند و مخاطب، آن را در هنرمند! روایت هنرمند از زندگی، زندگی به زعم اوست! چرا مشاهده زندگی دلچسب و جذاب است؟ مگر نه اینکه همه آن را، زندگی می‌کنند؟! چیزی که نزد همه و برای همه هست، چرا بازهم خواستنی است؟ این تحصیل حاصل نیست؟!

ماهیان ندیده غیر از آب / پرس پرسان زهم که آب کجاست!

جذابیت هنر، به دیدن خود است. با هنر، ما زندگی را تماشا می‌کنیم. بدون آن زندگی می‌کنیم. با هنر، از آن فاصله می‌گیریم و به آن می‌نگریم! تماشا و نگرش، محصول درنگ و تأمل است. زندگی، عرصه نقش و بازیگری است. همه در زندگی، عهده‌دار نقش و در آن بازیگر هستند. در بیرون خانه، هر کس در نقش شغل و سمت و منصب خود بازی می‌کند و در خانه، در نقش پدر، مادر، یا خواهر و برادر و... بازی می‌کند.
در زندگی، همه بازیگرند و مشغول. حتی گاهی، بعضی در چند نقش بازی می‌کنند و گروهی هم، فقط نقش بازی می‌کنند. علاوه بر نقش‌هایی که زندگی، طبیعی و جبری به عهده هر کس گذاشته، نقش‌های دیگری هم، اختیاراً، بازی می‌کنند و تهوع و تنوع زندگی را چندین برابر می‌کنند. همه مشغولند و بازی می‌کنند و هیچ از پا نمی‌نشینند! تنها با هنر است که مجال تماشای آن را می‌یابند. تنها با هنر و در هنر است که به خود می‌نگرند! هنر، عرصه تماشای خود است. جالب است و عجیب! هنر، تماشا در تماشا است. هم زندگی را تماشا کنی و هم خود را. زندگی، عرصه کنش و واکنش و... زنده و زندگان است. دیدن آن، هم دیدن عرصه و میدان جولان زندگان است و هم مشاهده زندگان. هنر، صحنه و بازیگر، هر دو را نشان می‌دهد! هم خود را در آن می‌بینی و هم محیط و مساحت خود را! مهمتر از آن، این است که، با هنر، زندگی را مرور می‌کنی! به تعبیری، زندگی را زندگی می‌کنی. هر آنچه کردی و مرتکب شدی را، مشاهده می‌کنی! با هنر، به عرصه درنگ و تأمل می‌رسی. در حرکت و شتاب، مجال تأمل نیست. باید بایستی تا بیندیشی! تأمل، عرصه بررسی و وارسی است. در حرکت و شتاب، تنها به مقصد و مقصود می‌اندیشی! به هر طریق و سلیقه‌ای، فقط می‌روی تا به مقصد برسی. به رفتن و اطوار خود، توجه نداری. تنها با هنر است که با آنها مواجه می‌شوی! خود را می‌بینی! خود را می‌سنجی! خود را ارزیابی می‌کنی! به خود نمره می‌دهی! خود را می‌پسندی یا کنار می‌گذاری! هنر، عرصه عبرت و مجال جلوه‌گری است. گاه عبرت، هنر است! عبرت، یعنی ترک اشتباهات و آغاز طریقت صلاح و سداد. این افقی است که با هنر بخوبی دیده می‌شود. پس هنر، خود را نمایش می‌دهد. اگر زندگی هست، برای این است که تو هستی. هنر، در واقع تو را نمایش می‌دهد. از تو می‌گوید. از تو می‌جوید. از تو می‌خواهد. می‌خواهد که چگونگی‌ات را ببینی و چگونگی‌ات را بخواهی! می‌گوید که چه بودی. چه هستی و چه باید باشی! اینها را اخلاق هم می‌گوید ولی هنر، نمی‌گوید فقط. نشان می‌دهد! بشر همیشه دیدن را برشنیدن ترجیح می‌دهد. دیدن، آخرین حدّ اقناع و باور است. نهایت ایمان، با دیدن حاصل می‌شود. تا نبینی، آرام نمی‌شوی. حتی اگر ابراهیم خلیل علیه‌السلام باشی! دیدن، آرزوی دیرین و همیشگی آدمی است؛ آرزویی که همیشه مقدماتش برای بشر مهیا ولی شرایط و موضوعش گاهی، نادسترس است! چیزی که آرزوست، در اختیار نیست!
آرزو، لایملک است! پس با اینکه چشم داریم، همیشه طالب دیدنیم. هیچ گاه از دیدن ملول نمی‌شویم. ممکن است از دیدن چیزی ناخشنود باشیم. ولی هیچگاه حس بینایی و خود دیدن را ترک و رها نمی‌کنیم. هنر، مجال همین است. دیدن! مشاهده! دیدن، با میل و اختیار. اگر بیرون را نشان دهد، تو را در بیرون و اگر درون را نشان دهد، تو را در درون نشان می‌دهد! و چه فرصت‌های خوبی است برای اینکه به خود آیی! آیینه هم خودت را می‌نماید! اما آیینه، برای خوشایند کردن توست. از آیینه، همه برای خوشایندی، بهره می‌جویند! هنر، آیینه‌ای است که دیدنش خوشایند است. آیینه‌ای خوشایند. ممکن است تصاویر ناخوشایندی ببینی، ولی همه آنها را در آیینه‌ای خوشایند می‌بینی! اگر از آیینه، عبور و به مشاهده و تأمل و تصویر توقف کردی، به حقیقت هنر نزدیک والا تنها به تماشای آیینه، ایستاده‌ای!

آیینه چون روی تو بنمود راست / خودشکن آیینه شکستن خطاست

یادداشت

محمدحسن موحدی
روانشناس و کارشناس فرهنگی

آیا دختران موفق در قاب سینمای ایران جایگاهی دارند؟

هرچند کمی از روز دختر می‌گذرد، اما پرداختن به مسأله دختران این سرزمین در آیینه فرهنگ از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا الگوی سازنده جامعه آنها می‌تواند به پیشرفت‌های مختلف کشور کمک کند. نگارنده قصد دارد به عنوان یک روانشناس به الگوی دختران در سینمای ایران نگاهی بیندازد:
از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ شمسی فیلم‌های بیشتری با محوریت «دختران» و «زنان» ساخته شده است و شمایل آنها بیشتر در سینما مورد توجه قرار گرفته است و موضوع مهمی که درباره آنها مطرح می‌شود، آسیب‌های اجتماعی است که ممکن است دامنگیر هر دختری شود. جامعه ناامنی که اصلاً به دختران خود رحم نمی‌کند و هر لحظه ممکن است آنها را دچار بحران کند. این بحران‌ها شامل تمامی موارد غارت، تجاوز، قتل و... است. حتی در فیلم‌هایی که با موضوع دختران ساخته شده محدودیت‌های قانونی، خانوادگی و... دیده می‌شود. محدودیت‌هایی که حتی گاهی فقط با فرار درست می‌شود و قهرمان بودن، ایستادن در برابر هرگونه محدودیت و آزادی‌خواهی است.
هر چند این واقعیت پذیرفته شده است که برای دختران محدودیت‌های زیادی وجود دارد و پرداختن به آنها برای تنبه مسئولین، والدین و... برای رفع هرچه بیشتر محدودیت‌ها لازم است، اما نکته مهم‌تر آن است که نگاه مطلق فقط به آسیب‌ها و محدودیت‌ها که به طور تقریبی نگاه غالب سینمای ایران به مقوله زنان و دختران است، در اولین گام خود مخدوش‌کننده امنیت مخاطبان است.

> هر چند این واقعیت پذیرفته شده است که برای دختران محدودیت‌های زیادی وجود دارد و پرداختن به آنها برای تنبه مسئولین، والدین و... برای رفع هرچه بیشتر محدودیت‌ها لازم است، اما نکته مهم‌تر آن است که نگاه مطلق فقط به آسیب‌ها و محدودیت‌ها که به طور تقریبی نگاه غالب سینمای ایران به مقوله زنان و دختران است، در اولین گام خود مخدوش‌کننده امنیت مخاطبان است

در هرم نیازهای انسانی از اولیه‌ترین نیازها، نیاز به امنیت است و به نظر می‌رسد برای رسیدن به خودشکوفایی لازم است افراد حس امنیت را تجربه کنند.
در این مقوله بین امنیت واقعی و امنیت ادراکی فاصله وجود دارد. یعنی ممکن است در یک مکان افراد امنیت واقعی را تجربه کنند، اما درکی که از آن دارند و حسی که می‌کنند، کمتر یا بیشتر از آن واقعیت باشد. به نظر می‌رسد در این راستا، رسانه و سینمای ایران در ساخت امنیت روانی ادراکی برای دختران این سرزمین ناموفق عمل کرده‌اند. وقتی دختران این سرزمین در بستر سینما با جامعه‌ای هولناک روبه‌رو شوند، با شخصیت‌های داستان‌هایی همذات‌پنداری می‌کنند که امنیت روانی-اجتماعی‌شان را دچار خدشه خواهد کرد.
نکته بعد در خصوص الگوسازی موفق است. آیا ما در جریان سینمایی‌مان، دختران موفقی را با تمام محدودیت‌ها نشان داده‌ایم؟! وقتی تمام الگوها و مدل‌هایمان در تصویرسازی که داریم با مشکلات و مسائل اساسی و عدیده روبه‌روست، انتظار داریم که مخاطبین به دختر بودن، دختر ایرانی بودن و... افتخار کنند؟
می‌توان درریل‌گذاری دوباره در جریان سینمای ایران اتفاقاً با نگاهی امیدبخش و با الگوسازی از قهرمانان دختر و زن ایرانی به آینده این نسل امید داشت. قهرمانان و داستان‌های قهرمانی آنها هم کم نیستند. افرادی که با تلاش خود در راه رسیدن به موفقیت‌های گوناگون کوشیده‌اند و با گذشت از موانع، به موقعیت‌های تأثیرگذار و جایگاه‌های درست اجتماعی رسیده‌اند. حیف که در قاب سینما جز مواردی انگشت‌شمار جایی ندارند.

پیشنهاد

نگاهی به نسخه ۲۰۲۱ از یک کارتون محبوب قدیمی

فاطمه ترکاشوند
روزنامه‌نگار

هنوز هم دود از کنده «تام و جری» بلند می‌شود!

سال ۱۹۴۰ وقتی کمپانی متروگلدوین‌مایر تصمیم گرفت پس از اقبال عمومی به شخصیت «میکی‌موس» والت‌دیزنی، دو شخصیت کارتونی دیگر خلق کند، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد قدمت «تام و جری» و نفوذ آنها در جهان تا این اندازه گسترش یابد و حتی بیشتر از «میکی‌موس» در تاریخ انیمیشن ثبت و توسط کودکان و بزرگسالان از چند نسل تماشا شود. اما دو سال پیش سری جدید «تام و جری» به کارگردانی تیم استوری از سوی کمپانی برادران وارنر روانه بازار فیلم و سریال شد تا ثابت کند محبوبیت این دو شخصیت هنوز پس از چند دهه حتی برای کودکان نسل‌های جدید هم قابل لمس است. اما این دو شخصیت از آن نسخه سیاه و سفید و کند و سرسخت در سال ۱۹۴۰ تا این نسخه جدید متعلق به سال ۲۰۲۱ راه زیادی آمده‌اند. کمااین که نام اولیه آنها «جسپر و جینکس» بود و وقتی دنبال یکدیگر می‌افتادند خشم و شرارت چهره‌هایشان آن‌قدرها برای مخاطب، همدلی برانگیز نبود. رنگی شدن سینما، بعدها ورود تلویزیون، وسعت پیدا کردن امکانات تولید انیمیشن دوبعدی و قلم و هنر سازندگان این دو شخصیت، رنگ و بوی دیگری را به این انیمیشن داد که نه تنها برای چنددهه تبدیل به نوستالژی شد بلکه توانست محبوبیتش را هم حفظ کند.

نکته نسخه ۲۰۲۱ «تام و جری» هم در همین جاست؛ در عبور از نوستالژی! سازندگان این نسخه سریالی جدید به وضوح قصد نداشته‌اند برای نسل‌هایی خاطره بسازند و یا خاطراتشان را یادآوری کنند که در کودکی‌هایشان با تام و جری انس داشتند. آنها خیلی ساده و بی‌پیرایه، الگوهای اصلی داستانی، روایی و سبکی را حفظ کرده‌اند تا نشان دهند کودکان امروز هم می‌توانند با سادگی و صمیمیت و شیطنت‌های این دو شخصیت در میان بحبوحه بازار خوش‌رنگ‌ولعاب انیمیشن ارتباط بگیرند.
تیتراژ کوتاه در قالب یک تک‌فریم که موضوع هر قسمت را اعلام می‌کند، هنوز باقی مانده است. رنگ‌ها مثل قبل سطوح صاف تصویر را به صورت گسترده می‌پوشانند و خبری از جزئیات طیف‌های رنگی از جنس انیمیشن‌های جدید ۳بعدی نیست. در متحرک‌سازی‌ها با وجود پیشرفت بی‌سابقه در بحث «انیمیت»، هیچ تلاشی برای تفاخر به تلفیق سبک دوبعدی و سه بعدی یا اجرای خلاقیت‌های جدید ندارد و حتی سایر اجزای ثابت تصویر به سبک انیمیشن‌های دوبعدی قدیمی، مثل نقاشی به بک گراند چسبیده‌اند. غیر از تام و جری، سایر شخصیت‌ها مثل سگ سفید مشهور و خدمتکار زن خانه که رنگ پوستش سال‌ها برای این کارتون حاشیه‌های نژادپرستانه ساخته بود، هنوز در قصه‌ها حضور دارند. تام هنوز مثل قبل با شیطنت دنبال جری می‌دود و جری او را با هوشمندی سر کار می‌گذارد و شوخی‌های ساده‌ای در این رابطه، دو شخصیت را بدون هیچ پیچیدگی به مخاطب کودک‌شان می‌شناسانند.
همین حفظ قالب‌های قدیمی نشان می‌دهد که برخلاف تصور عمومی، دست‌کم به خاطر تنوع پرزرق و برق بازار فیلم و سریال در حوزه کودکان، هنوز هم همان قدیمی‌ها خریدار دارند و اصطلاحاً دود از کنده همان‌ها بلند می‌شود! به علاوه باز هم برخلاف کارتون‌های جدید بسیاری از والدین می‌توانند با خیال راحت کودک‌شان را با تلویزیون و تام و جری تنها بگذارند و نگران اینکه چیزهای بد خیلی زیاد و غیرقابل جبرانی در رابطه میان کودک و کارتون اتفاق بیفتد، نباشند البته اگر سلطه گفتمان فرهنگی لیبرالی، این کارتون را برای حقنه کردن ارزش‌های برساخته جدید غربی راحت بگذارد. دست‌کم تا زمانی که این اتفاق نیفتاده می‌توانید هم نوستالژی‌های خودتان را با تام و جری مرور و هم فرزندتان را بدون دردسر سرگرم کنید.

عکس‌نوشت

باگذشت چندین هفته از رهاسازی آب به پیکر بی‌جان دریاچه ارومیه، لب‌های خشکیده دریاچه ترشده است و امیدها برای احیای این میراث گرانبها زنده شده است. برگشت زندگی به دریاچه موجب حضور گردشگران و زنده کردن خاطره‌های مردم آذربایجان شده است. خبرگزاری ایرنا گزارش از تصاویر ماهواره‌ای دریاچه منتشر کرده که نشان می‌دهد طرح انتقال آب، توانسته مشکل کاهش قابل توجه ورودی آب به این دریاچه را حل کند و عملاً سطح آب دریاچه ارومیه افزایش خوبی پیدا کرده است.